

جلال الدين رفيع فر



انتشارات مجسمه

پیدایش و تحول هنر

درآمدی بر مردم شناسی هنر

مردم‌شناسی - ۲



محور مطالعه ما در این دفتر، «باستان‌شناسی و مردم‌شناسی» هنر است. به عبارت دیگر، به بررسی و معرفی قدیم‌ترین هنرها و آثار به جا مانده از آنها و همچنین نحوه پیدایش و سیر تحول آن در دوره پارینه‌سنگی خواهیم پرداخت؛ زیرا این دوره، مهد پیدایش بزرگ‌ترین انقلاب‌های فرهنگی - اجتماعی تاریخ بشر بوده است.



انتشارات خجسته

ISBN: 978-9642975013



9 789642 975013

پیدایش و تحول هنر
درآمدی بر مردم‌شناسی هنر

پیدایش و تحول هنر

درآمدی بر مردم‌شناسی هنر

دکتر جلال‌الدین رفیع‌فر

استاد دانشگاه تهران



انتشارات خجسته

۱۳۹۴

سرشناسه	رفیع فر، جلال الدین، ۱۳۳۰ -
عنوان و نام پدیدآور	پیدایش و تحول هنر: درآمدی بر مردم شناسی هنر / جلال الدین رفیع فر؛ ویراستار مریم ایزدی.
وضعیت ویراست	: ویراست ۲
مشخصات نشر	: تهران: خجسته، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۳۸۴ ص: مصور.
شابک	: 978-964-2975-04-4
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: ویراست قبلی کتاب حاضر توسط برگ زیتون در سال ۱۳۸۱ منتشر شده است.
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۳۵۳-۳۶۲.
یادداشت	: نمایه.
عنوان دیگر	: درآمدی بر انسان شناسی هنر.
موضوع	: هنر ابتدایی
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۳ پ ۹ ر / N ۵۳۱۱
رده بندی دیویی	: ۷۰۹ / ۰۱۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۵۲۵۳۰۱



انتشارات خجسته

جلال الدین رفیع فر

پیدایش و تحول هنر

درآمدی بر مردم شناسی هنر

ویراستار: مریم ایزدی

نمایه ساز: تارا یکرنگیان

حروف چینی: شبستری

چاپ و صحافی: پژمان

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

ویراست دوم، چاپ اول ناشر: ۱۳۹۴

قیمت: ۲۵,۰۰۰ تومان

www.khojasteh.persianbook.net

Email: khojasteh_press@yahoo.com

فروش الکترونیکی

Persianbook.net

نشانی: خیابان انقلاب، مقابل دبیرخانه دانشگاه تهران، بازارچه کتاب

تلفن: ۶۶۴۶۰۲۸۳، فاکس: ۶۶۹۵۹۹۲۳

فهرست

مقدمهٔ چاپ دوم، ویراست دوم ۱۱

بخش اول ۲۷

دورهٔ پارینه‌سنگی ۲۹

دورهٔ پارینه‌سنگی جدید ۳۳

فصل اول: فرهنگ شاتل پرون ۳۷

نگاهی اجمالی به چند محل باستانی معروف این دوره ۴۳

کوانسی (مرکز فرانسه) ۴۳

سنت سه‌زر ۴۴

پناهگاه کومب کاپل ۴۷

غار لُو ۴۹

غار رِن ۵۰

فصل دوم: فرهنگ اُریگناسی..... ۵۵

معرفی تعدادی از محل های باستانی معروف این دوره ۶۷

غار فراسی (دوردوین-فرانسه)..... ۶۷

پناهگاه بلانکارد (دوردوین)..... ۷۳

پناهگاه لارت (دوردوین-فرانسه)..... ۷۷

پناهگاه سِلیه (دوردوین)..... ۷۹

پناهگاه کرومانیون ۸۱

غار وُگلهرد (جمهوری فدرال آلمان)..... ۸۶

غار کاویلون (ایتالیا)..... ۸۹

محل باستانی تی باوا-سوبرانس (اسلواکی)..... ۹۰

ایستالُسکو (مجارستان)..... ۹۱

فصل سوم: فرهنگ گراوتی..... ۹۳

محل های باستانی معروف دوره گراوتی..... ۱۰۰

غار گرگس..... ۱۰۰

دهکدهٔ لِسپوگ (فرانسه)..... ۱۲۰

غار پاپ-براسمپوئی (فرانسه)..... ۱۲۳

غار پرنوپر..... ۱۲۷

منطقهٔ مون پازیه..... ۱۲۹

پرستشگاه لوسل..... ۱۳۰

زیستگاه گریمالدی..... ۱۳۷

زیستگاه ویلندورف..... ۱۴۱

۱۴۲.....	پاولو (موراوی-جمهوری چک)
۱۴۵.....	دولنی وستونیچ (جمهوری چک)
۱۵۰.....	پردموست، موراوی
۱۵۲.....	موراوانی-اسلواکی
۱۵۳.....	کوستینکی-ورنچ (روسیه)
۱۵۷.....	غار کوسکر

۱۶۵.....	فصل چهارم: فرهنگ سولوتری
۱۷۰.....	معرفی چند محل معروف مربوط به این دوره
۱۷۰.....	غار پلاکارد
۱۷۳.....	پناهگاه روک-دو-سر
۱۷۵.....	فورنودودیابل
۱۷۷.....	غار تت دولیون (سر شیر)
۱۷۹.....	غار شابو
۱۸۱.....	غار شووه (کمب دارک)

۱۹۵.....	فصل پنجم: فرهنگ مگدالنی
۲۰۶.....	معرفی تعدادی از محل های باستانی معروف این دوره
۲۰۶.....	غار لاسکو
۲۱۲.....	توصیف نقوش غار لاسکو
۲۳۶.....	علائم نشانه ای-قراردادی غار لاسکو
۲۳۸.....	باستان حیوان شناسی غار لاسکو

۲۴۴	 انسان‌شناسی غار لاسکو
۲۴۹	 غار کومبارل
۲۵۴	 تاریخ‌نگاری و سبک
۲۵۷	 غار نیو
۲۶۳	 غار آلتامیرا
۲۶۵	 نگاهی به وضعیت عمومی نقوش
۲۶۶	 نقوش سقف
۲۶۹	 حکاکی‌ها
۲۷۱	 غار پش مرل (فرانسه)
۲۷۶	 فون دوگم (دوردوین-فرانسه)
۲۷۸	 رو فینیاک (دوردوین-فرانسه)
۲۸۶	 غار تروافرر (فرانسه-آژیر)

بخش دوم ۲۹۳

۲۹۵	 فصل ششم: نظری به مواد و تکنیک‌ها
۲۹۵	 نقاشی
۲۹۸	 کنده‌کاری
۲۹۹	 مجسمه

فصل هفتم: سالیابی آثار هنری ۳۰۷

۳۰۹	 کشیش آنری بروی
۳۱۱	 سبک I (آریگناسی)

سبک II (گراوتی و اوایل سولوتری ۲۵,۰۰۰-۱۹,۰۰۰ ق.م.) ۳۱۲

سبک III (اواخر دوره سولوتری و اوایل مگدالنی

۱۹۰۰۰-۱۶۰۰۰ ق.م.) ۳۱۳

سبک IV (مگدالنی میانه و جدید از ۱۴,۵۰۰-۱۲,۰۰۰ ق.م.) ۳۱۳

سبک (IV) جدید ۳۱۵

نظریه‌های جدید ۳۱۶

فصل هشتم: مضامین و نظام نمایش نقوش ۳۲۱

مضامین جانوری ۳۲۱

تصاویر انسانی ۳۲۶

تصاویر جنسی و نقوش پنجه دست انسان ۳۳۱

علامه نشان‌های-قراردادی ۳۳۲

فصل نهم: نگاهی به چند دیدگاه درباره مفهوم هنر پارینه‌سنگی ۳۳۷

کتابنامه ۳۵۳

منابع فارسی ۳۵۳

منابع لاتین ۳۵۴

نمایه ۳۶۳

مقدمه چاپ دوم، ویراست دوم

وقتی که صحبت از زمان و مکان پیدایش هنر به میان می آید، همه نظرها به دوره عصر حجر یا پارینه سنگی معطوف می شود. دوره ای که بیش از نود و نه درصد تاریخ زندگی بشر را دربرمی گیرد و طولانی ترین و تعیین کننده ترین دوره زندگی انسان را در خود جای داده است.

این دوره با فرهنگ های خاص خودش دست کم چیزی حدود دو میلیون سال را پشت سر گذاشته و هنوز هم در برخی از نقاط جهان و جوامع آرام آرام زندگی خود را طی می کند.

دوره پارینه سنگی یا عصر حجر دوره ای است که برخلاف تصور عمومی، مهد پیدایش بزرگ ترین انقلاب های فرهنگی- اجتماعی تاریخ بشر بوده است. تا قبل از پیدایش انسان امروزی (معروف به انسان هومو ساپینس- ساپینس یا اندیشمند- اندیشمند) که در اواخر این دوره پر مشقت و در عین حال بارور از نظر فرهنگی، ظاهر می شود، دست کم سه نوع انسان دیگر در این عصر زندگی می کرده اند که هر یک از آنها به تنهایی طول زندگی شان بسیار بیشتر از انسان امروزی بوده است. قدیم ترین آنها

در حال حاضر نمونه معروف به «هوموهابیلیس» یا انسان ماهر است که حدود ۲/۸ میلیون سال پیش در افریقا ظاهر شده و تا حدود یک میلیون سال پیش در همان قاره ناپدید شده است. شهرت این نوع انسان به دلیل ساختن ابزار (البته از نوع بسیار ساده) است و اولین تظاهرات و نشانه‌های ورود به عرصه ابزارسازی توسط بشر را به او نسبت داده‌اند. پس از آن انسان معروف به هوموارکتوس یا «راست قامت» که نمونه ابتدایی آن معروف به «هومو ارگستر» است، حدود نزدیک به دو میلیون سال پیش در شرق افریقا ظاهر شده ولی با مهاجرت به قاره‌های دیگر (آسیا و اروپا) تا حدود صد و پنجاه هزار سال پیش در این سه قاره زندگی کرده است. شهرت این نوع انسان به دلیل کشف شیوه تولید آتش در حدود بیش از ششصد هزار سال پیش در چین (توسط انسانی از همین نوع به نام انسان چین یا سینانتروپ) و همچنین تولید ابزارهای سنگی پیشرفته از نوع «تبر سنگی» است که انواع مختلف آن در سرتاسر این سه قاره به وفور پیدا شده و مرغوب‌ترین و پیشرفته‌ترین نوع آن را ساکنان اروپای غربی تولید کرده‌اند که قدمتی یک میلیون ساله دارد و با نام تبرهای سنگی آشولی یا آشولتن در جهان معروفیت خاص خود را دارد. قدیمی‌ترین فسیل‌های این نوع انسان (هوموارکتوس) در آسیا با قدمت ۱/۸ میلیون سال در کشور گرجستان، در حومه شهر دامانیسی پیدا شده است که با همین نام یعنی «انسان دامانیسی» شناخته می‌شود. از نمونه‌های دیگر این نوع علاوه بر کشور چین، در اندونزی پیدا شده که قدمتی بیش از یک میلیون سال برای آن تعیین شده و به انسان «پیتکانتروپ» معروف است. در شمال افریقا نیز فسیل‌هایی از همین نوع انسان کشف شده که قدمتی بیش از یک میلیون

سال داشته‌اند و به انسان آتلانتروپ معروف‌اند. این فسیل‌ها در کشورهای مراکش، الجزایر و... پیدا شده‌اند. در اروپا نیز فسیل‌هایی از این نوع انسان پیدا شده که قدمتی به مراتب کمتر داشته‌اند. قدیمی‌ترین آنها با قدمتی حدود ۷۵۰,۰۰۰ سال در آلمان به دست آمده که به نام انسان هایدلبرگ شناخته می‌شود و پس از آن فسیل دیگری است که در فرانسه به دست آمده و قدمتش ۴۵۰,۰۰۰ سال است و به نام انسان توتاول مشهور شده است. نوع سوم که می‌توان از آن سخن گفت، با نام انسان نئاندرتال معروف شده که اولین جمجمه مربوط به آن در سال ۱۸۵۶ در حومه شهر دوسلدورف آلمان در دره‌ای به همین نام کشف می‌شود و سپس یک آموزگار کنجکاو آن را مورد مطالعه قرار می‌دهد تا اینکه معلوم می‌شود که به انسانی غیر از انسان امروزی تعلق داشته است. معروفیت این انسان نیز به داشتن باورهای دینی است که شواهد وجود آن با پیدا شدن نشانه‌های آداب و ترتیب دفن مردگان به اثبات می‌رسد که این خود می‌تواند نشانه‌هایی از باور به دنیای پس از مرگ را تداعی کند. این انسان که قرابت فیزیکی بسیار نزدیکی با انسان امروزی دارد، با حجم جمجمه بزرگ‌تر از انسان امروزی (حدود ۱۷۰۰ سانتی‌متر مکعب)، حضورش دست‌کم در همه قاره‌ها به جز امریکا تأیید شده است. طول عمر آن را می‌توان از حدود سیصد هزار تا سی و پنج هزار سال پیش تعیین کرد. علت ناپدید شدن آن به درستی معلوم نیست، همان‌طور که دلیل ناپدید شدن نمونه‌های قبلی را نمی‌دانیم، ولی با توجه به مستندات موجود حضور این انسان را به دلیل پیدا شدن باقیمانده نه اسکلت از آن در ایران (در غار شانیدر - دامنه‌های شمالی سلسله جبال زاگرس) که قدمتی بیش از پنجاه هزار سال داشته‌اند می‌توان تأیید کرد.

نمونه‌های اخیر با شیوه جالبی و با پیروی از آداب و رسوم خاصی تدفین شده‌اند. (برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به مقاله «ج. رفیع فر، ۱۳۷۴، تحت عنوان: کواترنر، پال آنتروپولوژی، ایران. مجموعه مقالات نخستین سمپوزیوم بین‌المللی کواترنر، شهریور ۱۳۷۳، دانشگاه تهران»). هنوز از انسان نئاندرتال هم مانند نمونه‌های قبلی هیچ اثری که بتوان آن را یک اثر هنری به معنای واقعی کلمه نامید، پیدا نشده است.

اما از ۳۵,۰۰۰ سال پیش یعنی درست زمانی که نئاندرتال‌ها به کلی ناپدید شده و دیگر انسانی به جز انسان امروزی وجود نداشته است، یک مرتبه با موج عظیمی از تظاهرات هنری روبرو هستیم. کشورهای اروپای غربی (فرانسه، اسپانیا، آلمان و ایتالیا) نه تنها بیشترین، بلکه با کیفیت‌ترین آثار هنری را هم از نظر تنوع و هم از نظر تعداد ارائه کرده‌اند. در حقیقت شاید بتوان گفت که عصری که به آن پارینه‌سنگی بالایی^۱ گفته می‌شود با پیدایش هنر شروع می‌شود. دوره اخیر که در واقع مراحل پایانی عصر حجر به‌شمار می‌رود، با چند شاخص از دوره‌های قبلی خود یعنی دوره پارینه‌سنگی میانه^۲ که همان عصر نئاندرتال‌هاست و همچنین عصر پارینه‌سنگی قدیم^۳ که عصر انسان‌های راست قامت است و فاقد هرگونه آثار و تولیدات هنری بوده است، مجزا می‌شود که این شاخص‌ها عبارت‌اند از: پیدایش هنر، عمومیت پیدا کردن دین که نشانه‌هایش پیدایش تعداد زیادی پرستشگاه عمومی در اروپاست، تغییر و تحولات چشمگیر در فناوری و ابزارسازی و بالاخره خروج از غارها و زندگی در دشت و داخل کلبه‌های چوبی کوچک یا چادرهایی که از تعدادی تیرک چوبی با

1. upper Paleolithic

2. middel Paleolithic

3. lower Paleolithic

پوشش پوست حیوانات که برای زندگی فصلی در یک محل تعبیه می شده، ساخته شده است. وجود چنین شاخص هایی باعث شده تا عده ای از دانشمندان آغاز دوره پارینه سنگی بالایی را به دلیل توسعه گسترده دین و عمومیت پیدا کردن آن در سطح وسیعی از جامعه بشری و همچنین پیدایش و توسعه هنر در کنار آن و تحولات دیگر یاد شده در بالا، آغاز اولین انقلاب فرهنگی در تاریخ بشر اعلام کنند. زمانی که باستان شناس معروف فرانسوی فرانسوا بورد^۱ (۱۹۶۸) قطعه استخوانی را که روی آن نقوشی یا خطوطی حکاکی شده بود را از درون رسوبات باستانی غار پش دولاژه^۲ در فرانسه کشف می کند و قدمت آن را با اولین فاز یخبندان ریس^۳ همزمان می داند (حدود دویست هزار سال) بحث های گوناگونی درباره زمان پیدایش هنر در جامعه انسانی در می گیرد (این شیء همراه تعدادی ادوات سنگی متعلق به فرهنگ آشولی و در کنار چندین اجاق پیدا شده است). خطوط حکاکی شده روی این قطعه استخوانی گاو هیچ گونه شکی را در مورد اتفاقی نبودن آن باقی نمی گذارد. الکساندر مارشاک^۴ پژوهشگر موزه باستان شناسی - مردم شناسی دانشگاه هاروارد (ماساچوست) که از متخصصان بنام خطوط حکاکی شده روی اشیای قدیمی است، با بهره گیری از جدیدترین روش ها به مطالعه این شیء پرداخته است. مارشاک در این مطالعه موفق شد نه تنها تأخر و تقدم خطوط را نسبت به یکدیگر معین کند، بلکه نوع وسیله یا وسائلی که از آنها برای خلق این نقوش به کار رفته اند را مشخص کند. مطالعات او نشان داد که این خطوط

1. F. Bordes

2. Pech de l'azé

3. Riss

4. A. Marshak

علائمی هستند که می‌توانند با آداب و رسوم خاصی مرتبط باشند. او حتی بر این باور است که اشکال مختلف (کمانی، قوسی، رشته‌ای، زاویه‌دار، موازی) می‌توانند همچنین نشان‌دهنده وضعیت خاص شرایط طبیعت در زمان‌های مختلف سال باشند.^۱

تا قبل از زمان یادشده در بالا تصور عمومی بر آن بود که هنر با پیدایش انسان امروزی آغاز شده است. ولی با کشف این شیء منقور بحث جدیدی درباره تاریخ پیدایش هنر در گرفت که هنوز هم به اتمام نرسیده است. کشف بخشی از یک فلوت استخوانی در سال ۱۹۹۷ از یکی از غارهای باستانی کشور اسلونی (اروپای مرکزی) با توجه به قدمتش (۳۵,۰۰۰ سال) باعث شد به این شبهه که انسان‌های نئاندرتال نیز قادر به تولیدات هنری بوده‌اند دامن زده شود، زیرا حدود ۳۵,۰۰۰ سال پیش احتمالاً انسان‌های نئاندرتال در اروپای مرکزی هنوز حضور داشته‌اند. به گفته کارشناسان این فلوت استخوانی که از استخوان ران خرس ساخته شده، در حال حاضر قدیمی‌ترین وسیله نواختن موسیقی معرفی شده است. همراه این اثر، تعدادی سوزن استخوانی نیز به دست آمده است که آنها نیز از قدیمی‌ترین سوزن‌های ساخته شده توسط انسان به شمار می‌روند. محل دقیق کشف این مجموعه غار «دیبی باب»^۲ است که گروه «ایوان تورت»^۳ آن را حفاری کرده‌اند.^۴ (به تصویر در انتهای کتاب مراجعه شود).

نباید فراموش کرد هنوز عده‌ای از باستان‌شناسان بر این باورند ابزارسازی که قدمتی دویلیون ساله دارد خود نوعی هنر بوده است. مثلاً

1. in: Y. Rebeyrol, 1988, p. 156

2. Dibje Babe

3. Ivan Turt

۴. گزارش چاپ شده در مجله اسلونیایی MM ماه می ۱۹۹۷، ص ۵.

تبرهای سنگی که انسان‌های راست قامت آنان را ساخته‌اند، نه تنها از تکنولوژی پیشرفته‌ای سود برده، بلکه به دلیل شکل این ادوات و استفاده از سنگ‌های الوان دارای زیبایی خاصی نیز بوده‌اند که این خود می‌تواند به عنوان اولین تظاهرات زیبایی‌شناختی در تاریخ بشر در نظر گرفته شود. از جمله طرفداران این نظریه می‌توان به باستان‌شناس معروف فرانسوی آندره لوروآگوران^۱ اشاره کرد (۱۹۶۵). او معتقد است که به تدریج که انسان‌های راست قامت و ارگاسترها به تراش سنگ‌ها تسلط پیدا کردند، به این فکر افتادند ابزارهای خود را با اشکال هندسی و موزون بسازند. بنابراین در خلال زمان، تبرهای سنگی کارآمدتر شده و اشکال هندسی ساده بیش از پیش در ساختن آنها به کار رفتند. از همین جا بود که شکل بادام درشت کم‌کم جا افتاد. رسیدن به چنین مرحله‌ای و همچنین ظریف‌تر و دقیق‌تر شدن فن تراش، نه تنها به یک اجبار فنی مرتبط نمی‌شود، بلکه بدون شک یک تلاش برای زیباتر ساختن بوده است. لوروآگوران حتی معتقد است که بین بالاتر رفتن سطح تکنیک و زیبایی شیء رابطه وجود داشته است. او به همین دلیل آن را زیبایی‌شناسی کاربردی نامیده است. یعنی سازگاری و انطباق بین زیبایی و کارآمد بودن.^۲ این نظر شباهت زیادی به نظر مردم‌شناس شهیر آلمانی الاصل فرانتس بواس^۳ دارد (۱۹۲۷). بواس نیز در کتاب معروفش به نام هنر ابتدایی از همین نظریه صحبت کرده و از آن دفاع می‌کند.

1. A. Leri-Gourhan

2. Le Gest et la, Parole t. 2: La Memoire et les Rythmes, Albin Michel.

3. F. Boas

شایان ذکر است که انسان‌های راست قامت با قدمتی حدود نزدیک به دو میلیون سال فن تولید آتش را اختراع کرده و حدود نزدیک به یک میلیون سال پیش آتش را به خانه‌ها آوردند (قدیمی‌ترین باقیمانده‌های اجاق در حال حاضر از غاری به نام شوکوتین واقع در ۵۰ کیلومتری پکن (چین) به دست آمده است که قدمتی هفتصد هزار ساله دارد و محل زندگی انسان چین یا سینانتروپ‌ها بوده است).^۱ از طرف دیگر نشاندن تال‌ها با قدمتی بالغ بر ۱۵۰,۰۰۰ سال برای اولین بار به پدیده‌های متافیزیکی فکر کرده‌اند و دارای اندیشه مذهبی بوده‌اند، ولی تنها انسان امروزی است که توانسته به معنی واقعی کلمه هنرمند شود.

به‌طور کلی اطلاعات به دست آمده از آثار هنری باز یافته شده از محل‌های باستانی، نشان‌دهنده این مطلب است که بخش مهم و قابل توجه این پدیده «اجتماعی- فرهنگی» در اروپای امروزی، به‌ویژه اروپای غربی و مرکزی، رشد و تحول یافته است و در خارج از این محدوده جغرافیایی نیز مدارک و اسنادی که وجود این پدیده را با این وسعت و پیشرفت که در اروپا دیده می‌شود را اثبات کند، هنوز به دست نیامده است. در آسیا آثار هنری یافته شده منقول و غیر منقول که به قبل از ده هزار سال پیش از میلاد تعلق داشته باشند هنوز بسیار محدودند. از بخش‌هایی در خاور میانه و خاور نزدیک و همچنین کشورهای آسیای میانه گزارش‌های پراکنده‌ای مبنی بر وجود چنین آثاری وجود دارد که نه تنها از نظر کیفیت، بلکه از نظر کمیت نیز با آثار هم عصر اروپایی خود به هیچ وجه قابل مقایسه نیستند.

در قاره آفریقا نیز با وجود هزاران تصویر نقاشی یا کنده کاری غیر منقول که اغلب به دوران تاریخی یا عصر نوسنگی تعلق داشته‌اند، تقریباً آثار هنری قابل توجهی از عصر پارینه‌سنگی شناسایی نشده است. در استرالیا اخیراً به مجموعه‌های هنری عظیمی برخورد شده که به گفته یکی از مسئولان موزه ملی سیدنی قدمت زیادی دارند و در گزارش‌های تأیید نشده، سابقه‌ای بیش از پنجاه هزار سال برای آنها تعیین شده است که امیدواریم مطالعات دقیق‌تر وضعیت و جایگاه و سابقه آنها را هر چه بهتر تعیین کنند.

گزارش‌های پراکنده‌ای از وجود چنین آثاری روی دیواره پناهگاه‌های سنگی، غارها و تخته‌سنگ‌ها در مناطق نسبتاً زیادی از ایران خبر می‌دهند، ولی دلایل و نشانه‌های کافی که تعلق آنها را به عصر پارینه‌سنگی تأیید کند، هنوز در اختیار نیست. اما در مقابل، نشانه‌های قابل توجهی وجود دارد که تعلق این آثار را به دوران تاریخی منتسب کند. این مجموعه‌ها در مناطق متعددی از ایران شناسایی شده‌اند که از نظر کمیت فوق‌العاده قابل توجه‌اند. مناطقی چون استان مرکزی، سمنان، آذربایجان، کردستان، یزد، هرمزگان، کرمان، سیستان و بلوچستان، چهارمحال بختیاری، خراسان و... از جمله مناطقی هستند که چنین آثاری در آنها دیده می‌شود.

در اروپا پراکندگی مجموعه‌های هنری عصر پارینه‌سنگی را می‌توان از نظر جغرافیایی به دو منطقه نسبتاً متفاوت محدود کرد:

۱. شرق و مرکز اروپا که اغلب آثارش از نوع منقول و شامل اشیاء تزئینی و مجسمه است که اغلب از داخل مناطق مسکونی به دست آمده‌اند.

۲. غرب اروپا که در این منطقه وضعیت آثار هنری، هم از نظر کیفی و هم کمی کاملاً با شرق و مرکز اروپا متفاوت به نظر می‌رسد. در غرب اروپا تعداد غارهایی که با تصاویری از نوع کنده کاری، نقش برجسته و نقاشی به صورت بسیار زیبایی تزئین شده‌اند و عمدتاً کاربری غیرمسکونی داشته‌اند، بالغ بر ۱۵۰ غار طبیعی است و تقریباً همگی دارای ویژگی‌های زمین‌شناختی مشابه‌ای هستند که در این دفتر سعی شده تا حد امکان به شرح نسبتاً دقیق معروف‌ترین آنها پرداخته شود.

آثار هنری قسمت اروپایی شوروی سابق فقط به یک غار منقوش در دامنه‌های کوه‌های اورال و تنها به چند شیء هنری خلاصه می‌شود. اهمیت کمی و کیفی آثار و نشانه‌های هنری باز یافته شده از اروپای غربی به حدی است که شاید بتوان این منطقه را به عنوان یکی از محل‌هایی که جایگاه ویژه‌ای در پیدایش و توسعه هنر داشته در نظر گرفت. در حدود سی هزار سال پیش و هم‌زمان با تسخیر کامل کره زمین (هر پنج قاره) به وسیله انسان‌های «مدرن»، ما شاهد اولین نشانه‌های آثار هنری پیشرفته در تمام شاخه‌های هنرهای تجسمی در این منطقه از جهان هستیم. در این قاره تا کنون غالب بر ۲۵۰ غار منقوش به تصاویر گوناگون قراردادی که با بهره‌گیری از فنون مختلف ایجاد شده‌اند، شناسایی و شمارش شده است. از این تعداد، حدود نزدیک به ۱۵۰ غار در کشور فرانسه واقع است که حدود ۱۰ آنها در استان کوچک دوردوین (جنوب غربی فرانسه) قرار دارند که قدمت آثار به دست آمده از آنها بین سی تا دوازده هزار سال تعیین شده است و همگی به دوره پارینه‌سنگی بالایی تعلق دارند.

این مجموعه‌های هنری بسیار مهم باعث شده که فرانسه در هنر عصر پارینه‌سنگی جایگاه ویژه‌ای در جهان کسب کند و مطالعه هنر پارینه‌سنگی جهان را به کلی تحت الشعاع قرار دهد. سابقه مطالعه این هنر در فرانسه به قرن شانزده میلادی برمی‌گردد (از سال ۱۵۷۵). بنابراین به همین دلیل در این دفتر توجه بیشتری به بررسی آثار هنری عصر پارینه‌سنگی در فرانسه می‌شود. در اینجا بدون اینکه خواسته باشیم به مقوله پیچیده مفاهیم و تعاریف هنر وارد شویم و به گفتمان‌های کلاسیک در این باره پردازیم، با نقل جمله‌ای از روزه باستید^۱ که شاید یکی از انگیزه‌های اصلی تحریر این دفتر را در خود نهفته دارد، بحث را آغاز می‌کنیم. «مدت‌هاست دریافته‌ایم که هنر یک بازی ساده شخصی بی نتیجه نیست، بلکه بر زندگی جمعی انسان‌ها اثر می‌گذارد و می‌تواند سرنوشت جوامع انسانی را دگرگون کند. ... باید از خود پرسیم که آیا این رابطه دوسویه نیست و آیا هنر خود یک فراورده زندگی جمعی انسان نیست و سرنوشت آن وابسته به سرنوشت جوامع انسانی نمی‌باشد.»^۲ این سؤال روزه باستید را می‌توان به عنوان یکی از جدی‌ترین سؤالات مطرح شده درباره درک هرچه بهتر ماهیت و جایگاه هنر در جوامع بشری در نظر گرفت، زیرا پدیده‌ای که قادر است به گفته اکثر صاحب نظران علوم اجتماعی سرنوشت جوامع انسانی را دگرگون کند، بدون تردید می‌تواند به عنوان یکی از موضوعات اساسی و تعیین کننده در مطالعات اجتماعی نیز در نظر گرفته شود. شاید بتوان هنر مورد مطالعه ما به دلیل اینکه به آغاز پیدایش آن مربوط می‌شود، «هنر

1. R. Bastide

۲. روزه باستید، ۱۳۷۴، صص ۳۳، ۳۴

ابتدایی» نیز نامید و مراد ما از یک اثر هنری همان تعریفی است که متخصص معروف امریکایی، فرانتس بواس بیان کرده است. بواس معتقد است هنر از فن، زیبایی و ریتم تشکیل می‌شود. او اضافه می‌کند یک اثر هنری زمانی به وجود می‌آید که تسلط و مهارت فنی به ایجاد شکل کامل بیانجامد: «زمانی که کیفیت فنی به حد مطلوب و مشخصی از کمال نزدیک می‌شود و هنگامی که تسلط بر اجرای ترتیب اجرای فنون در حدی است که سرانجام به تولید اشکال مشخص منتهی می‌شود، می‌گوییم اثر هنری به وجود آمده است.»^۱

این تصور که هنر یک نوع زبان است، هنوز طرفداران بسیاری دارد و کمتر کسی است که با کارکرد این پدیده پررمزوراز در جامعه مخالفت داشته باشد. هیچ‌یک از هنرها در این خصوص در دایره استثناء قرار نمی‌گیرند (حتی شعر). هر پدیده هنری به هر زمان و مکانی که تعلق داشته باشد، در این چارچوب جای خود را پیدا می‌کند. همه پذیرفته‌اند که هنر بخش مهم و تعیین‌کننده‌ای از فرهنگ را تشکیل می‌دهد. پس یک پژوهشگر علوم انسانی نمی‌تواند در مطالعاتش جایگاه هنر را نادیده بگیرد، در اکثر جوامع امروزی و شاید تا حدودی جامعه خود ما هم به اهمیت واقعی جایگاه هنر در «فرهنگ جامعه» و نقش بسزای آن که گفته می‌شود «حیات جامعه به آن بستگی دارد»، به‌طور جدی پرداخته نشده است! متأسفانه در برخی از جوامع هنوز پدیده‌های هنری را از جمله پدیده‌هایی که اغلب برای پرکردن اوقات فراغت یا حتی در زمره پدیده‌های تفننی در نظر می‌گیرند؟! و پرداختن به شناخت، توسعه و زمینه‌های رشد آن را

در پایین ترین بخش جدول برنامه ریزی های اجتماعی- فرهنگی قرار می دهند!

در این دفتر هدف اصلی معرفی و شناخت آن بخش از تاریخ هنر که در متون موجود فارسی کمتر به آن برمی خوریم (دوره پارینه سنگی بالایی) است. این دوره همان دوره ای است که بالاخره انسان امروزی موفق شد نه تنها برای اولین بار سرتاسر کره زمین را به تسخیر خود درآورد، بلکه خود نیز دیگر تنها انسانی باشد که روی این کره پهناور زندگی می کند. در حقیقت این دفتر با هدف هرچه غنی تر کردن منابع فارسی موجود، مخصوصاً منابع درسی دانشجویان تمام رشته های هنری به طور کلی و رشته های دیگری چون تاریخ هنر، باستان شناسی، جامعه شناسی و به خصوص مردم شناسی هنر که با پدیده هنر و خاستگاه آن و همچنین جایگاه و وزن آن در فرهنگ و بالاخره چگونگی تحول و توسعه آن در بطن جامعه، به رشته تحریر درآمده است. کار تدوین و تحریر این کتاب حدود سه سال به طول انجامید و اینک چاپ دوم آن با ویرایشی جدید به نگارش درآمده است. با چاپ این دفتر امیدواریم توانسته باشیم فرازهایی از این موضوع بسیار مهم را در اختیار دانشجویان عزیز و همچنین سایر علاقمندان به مسئله هنر و خاستگاه آن قرار دهیم.

محور مطالعه ما در این دفتر، «باستان شناسی و مردم شناسی» هنر است. به عبارت دیگر به بررسی و معرفی قدیمی ترین هنرها و آثار به جامانده از آنها و همچنین نحوه پیدایش و سیر تحول آن در زمان و مکان خواهیم پرداخت. قصد نداریم این موضوع بسیار گسترده را در اقصی نقاط دنیا بررسی کنیم، زیرا نه مجالی برای این کار بزرگ بر ایمان هست و نه بضاعت

علمی آن در دسترس ماست. تنها هدفمان آن است که خوانندگان عزیز با مناطقی که به عنوان خاستگاه هنر در نظر گرفته می‌شوند و زمان به وقوع پیوستن این رویداد بزرگ و مهم، آشنا شوند. در این مختصر سعی شده تا در حد امکان و در چارچوب موضوع و اهداف کتاب به بررسی سیر تحول هنر، همچنین تعیین جایگاه و کارکرد آن در فرهنگ‌های ابتدایی دوره‌های اولیه زندگی انسان امروزی پرداخته شود. به عبارت دیگر مطالعه و شناخت اولین قدم‌هایی که نخستین هوموساپینس‌ها در به وجود آوردن آثار هنری برداشته‌اند از یک سو و بررسی عناصر و ترکیب‌های هنری موجود در ساختار اجتماعی-فرهنگی جامعه‌های ابتدایی از سوی دیگر و بالاخره فعلاً در این مجلد به بررسی سیر تحول شاخه‌های مختلف هنری و کاربرد آن از اولین مراحل آغاز تا پایان دوره‌ای که به دوره «پارینه‌سنگی بالایی» معروف است، اکتفا خواهیم کرد.

اینکه چرا چنین دوره‌ای برای چنین مطالعه‌ای انتخاب شده است، شاید اولین و اساسی‌ترین سؤالی است که می‌تواند مطرح شود: دوره مورد نظر دوره‌ای است که اقتصاد و معیشت مردمان بر پایه گردآوری و شکار است و هنوز هیچ حیوانی اهلی نشده است و هیچ نوع تولیدی که جنبه تغذیه‌ای داشته باشد، وجود ندارد. شیوه زیست نیز از نوع کوچگری است و استقرار دائم و یکجانشینی نیز هنوز دیده نمی‌شود. نکته مهم‌تر این است که دوره مذکور مواجه با چهارمین عصر یخبندان (ورم) است که از حدود هشتاد هزار سال پیش آغاز شده و تا حدود دوازده هزار سال پیش به طول انجامیده است. در اروپا که محل اصلی مورد مطالعه ماست، متوسط درجه حرارت، «۲۵-» بوده است. بدیهی است در چنین آب‌وهوایی شیوه

زندگی مبتنی بر کوچ و به خصوص معیشت مبتنی بر شکار و گردآوری با مشکلات زیادی روبروست و انسان آن دوره قبل از اینکه به تولیدات هنری فکر کند باید عمده وقت و توان فکری خود را به غذا و تهیه آن در چنین شرایطی اختصاص داده باشد، ولی می‌بینیم که اختراع هنر و آثار هنری خلق شده در این دوره بیان‌کننده چیز دیگری است. همان‌طور که در متن کتاب ملاحظه خواهد شد، تولیدات هنری مربوط به این دوره از با کیفیت‌ترین، جذاب‌ترین و معنادارترین و کاربردی‌ترین آثار هنری است که تاکنون تولید شده است. بدون اغراق کیفیت این آثار با آثار هنری امروزی برابری می‌کند. مجسمه‌های فراوان، سنگ‌نگاره‌های بی‌شمار، نقاشی‌های رنگین با بهره‌گیری از فنون پیشرفته، مانند پرسپکتیو، آن‌هم در ابعاد مختلف و به تعداد هزاران هزار، از دیگر عجایب این هنر است که اهمیت مطالعه آن را صدچندان می‌کند. در حقیقت اهمیت مطالعه و شناخت هنر این دوره بیشتر در ارتباط با شناخت هرچه بهتر و دقیق‌تر انسان امروزی و جامعه‌های امروزی مطرح می‌شود.

به هر حال «مردم‌شناس» نمی‌تواند هنر را نادیده بگیرد، زیرا هنر بخشی از فرهنگ است و شاید هم این امر دلایل بسیار مشخص‌تری داشته باشد و آن اینکه هنر بالاترین مرتبه تسخیر طبیعت از سوی فرهنگ است و مردم‌شناسی با انواع این پدیده سروکار جدی دارد.^۱

نکته دیگر اینکه به دلیل شیوه زندگی خاصی که در آن دوره وجود داشته است، دسترسی به عناصر فرهنگی در همه زمینه‌ها بسیار مشکل و در مواردی غیرممکن است، بنابراین سعی شده علاوه بر بحث و معرفی

عناصر مختلف از قبیل ابزارها، شیوه سکونت و...، عناصر هنری با توجه به اهمیت خاصشان از نظر محتوایی و هم‌چنین نوع جوامع آنها مورد مطالعه قرار گیرند. لذا برآن شدیم مطالعه هنر در این جوامع را به دلیل اینکه حاصل بیشترین و مطمئن‌ترین اطلاعات فرهنگی و پیام‌های مربوط به تفکرات مذهبی، آئینی و جهان‌بینی افراد جامعه هستند را با تأکید بیشتری مورد بررسی قرار دهیم.

جلال‌الدین رفیع‌فر

خرداد ۱۳۹۲